

مدیریت سرمایه در معاملات به زبان ساده

تالیف و تحقیق : امیر انصاری هادی پور

پاییز 1400

مقدمه :

بسیاری از معامله گران در بازارهای مالی علیرغم اینکه تحلیلگران بسیار خوبی هستند و دسترسی مناسبی به منابع تحلیلی دارند ولی معاملات موفق را پشت سر نمیگذارند .

یکی از دلایل عدم موفقیت در این معامله گران در ک ابتدایی و بعضا نادرست از شیوه های سرمایه گذاری در بازار و مدیریت سرمایه در طول معامله است

هر معامله به روشنی سه بخش مهم دارد :

الف) ورود Entry

ب) مدیریت معامله در طی زمان اجرا (مدیریت سرمایه) Capital Management

ج) خروج و دریافت سود معامله Receive(Take) Profit

و هرکدام از این سه قسمت شرایط و تصمیم گیری های متفاوتی را در پی دارد

مدیریت سرمایه که بخش میانی هر معامله ی باز محسوب میشود یکی از مهمترین (و شاید مهمترین) بخش یک معامله محسوب میشود.

زمانی که معامله گر با تغییرات مختلف قیمت، چرخه ای از ترس و طمع را پشت سر میگذارد و ذهن بر اثر فشار مضاعف، قدرت تصمیم گیری دقیق را از دست میدهد

واضح است که یک معامله ی موفق در واقع یک پلن و نقشه ی از پیش تعیین شده است زیرا سرمایه گذار هنگامی که وارد یک معامله میشود علاوه بر زمان باید با تغییرات قیمت هم دست و پنجه نرم کند

طبیعتاً اگر معامله گر تصمیم های مهم را به میانه ی معامله موکول کند و از پیش تصمیمات درست (و لااقل مشخصی) برای مدیریت معامله ی باز Open Transaction Management یا به اختصار OTM نداشته باشد میزان استرس بر کیفیت تصمیم گیری او تاثیر بسیار نامناسبی خواهد داشت

در این جزوه بر آنیم که در باره ی مدیریت سرمایه یا به اختصار CM نکاتی را یاد آوری کنیم

مدیریت سرمایه چیست :

مدیریت سرمایه عبارت است از تقسیم بندی سرمایه برای سودآوری بطوریکه با تغییرات قیمت امکان سود ده شدن معامله به وسیله ی تصمیمات از پیش تعیین شده را افزایش دهد

بنابراین سه فاکتور مهم در مدیریت سرمایه عبارتند از :

الف) تقسیم بندی سرمایه

ب) امکان سنجی ادامه ی سود ده شدن یک معامله

ج) طراحی یک پلن مالی مشخص پیش از ورود به معامله

تقسیم بندی سرمایه :

عبارت است از تبدیل سرمایه ی اولیه به تعداد سهم مشخص که در طول زمان معامله و در قیمت های مختلف استفاده شود

در واقع قرار است معامله گر، سرمایه ی اولیه خود را به قسمت های کوچک تر تقسیم کند تا بتواند معامله را در صورت ریزش قیمت مدیریت نماید



فرض کنید در نمودار پیش رو بیت کوین در قیمت 48500 دلار خریداری شده باشد (معاملات Long) و خریدار کل سرمایه ی خود را در این قیمت به خرید بیت کوین اختصاص دهد

قیمت شروع به کاهش کرده و به حدود 40000 دلار میرسد ...

بر اساس نمودار قیمت- زمان، این معامله گر باید حدوداً 15 روز صبر کند تا قیمت مجدداً به نقطه ورود برسد و به اصطلاح سر به سر شود

حالا فرض کنیم همان معامله گرسرمایه ی خود را به دو نیمه ی مساوی تقسیم کند :

قسمت اول را در قیمت 48500 دلار خریداری کند

و قسمت دوم را در قیمت 43000 دلار خریداری کند

در یک محاسبه ی تقریبی و البته نه چندان دقیق! میانگین خرید وی برابر است با :

$$\overline{X} = \frac{X_1 + X_2}{2}$$

یعنی :

$$\overline{X} = \frac{48500 + 43000}{2} = 45750\$$$

بنابراین معامله ی فرد با قیمت ورود 45750 ثبت خواهد شد



همانطور که مشخص است در این حالت تنها 11 روز برای سر به سر شدن معامله زمان لازم است و در طی 15 روز (که قبلا زمان سر به سر شدن معامله بود) خریدار میتواند سود 7 درصدی به دست آورد

بنابراین :

الف) مدیریت سرمایه باعث کاهش "زمان معاملات سود ده"

Profit Time Trading میشود

ب) به دریافت سود منطقی کمک میکند

چا با توجه به فرمول میانگین که عبارت است از $\frac{\text{مجموع قیمت‌های خرید}}{\text{تعداد خرید}}$

هرچه سرمایه ی اولیه به قسمت‌های بیشتری برای خرید تقسیم شود میانگین قیمت کاهش چشمگیر تری خواهد یافت که مجدداً به کاهش زمان سود دهی و افزایش سود کمک میکند

چگونه سرمایه ی اولیه را تقسیم کنیم :

اینکه شما سرمایه ی اولیه ی خود را به چند قسمت تقسیم میکنید بستگی به عوامل مختلفی دارد:

الف) قدرت تحلیل شما از نمودار power of analysis

ب) میزان ریسک پذیری شما Risk taking

ج) توقع شما از سود در یک معامله Profit expect

د) صبر و تحمل شما هنگامی که معامله ی باز دارید Patience

الف) قدرت تحلیل :

در نمودار خرید بیت کوین که در بالا در باره ی آن بحث شد اگر شما تحلیل گر خوبی باشید میدانید که احتمالاً در چهار پله باید خرید کنید!

بنابراین سرمایه ی خود را به چهار قسمت تقسیم میکنید و با فرض ریزش قیمت در هر چهار پله خرید خواهید داشت) در مورد تعداد پله ها عجله نکنید. در ادامه نکات مهمتری را مرور خواهیم کرد)



البته به شکل واضحی قیمت تنها در دو پله ریزش قابل خرید بود و کار به پله های 3 و 4 نکشیده است

در این صورت شما دو قسمت از چهار قسمت سرمایه خود را (مجموعاً 50 درصد کل سرمایه) خرید کرده اید و پنجاه درصد دیگر سرمایه به صورت نقد در حالت انتظار باقی مانده است

اگر شما تحلیل دقیقی در باره ی تعداد پله ها نداشته باشید طبیعتاً ممکن است نگران باشید قیمت برای مثال در ده پله ریزش کند... و بنابراین شما میبایست سرمایه ی خود را به ده قسمت تقسیم میکردید (هر سهم ده درصد) و به همین دلیل تنها در دوپله ی ده درصدی موفق به خرید میشدید

دقت کنید! شما 20 درصد کل سرمایه را در معامله استفاده کرده اید در حالی که یک تحلیلگر قوی تر تا 50 درصد از سرمایه ی خود را (به دلیل پیش بینی صحیح تر از پله ها) خرید کرده است

در نتیجه تحلیل دقیق تر بازار میتواند تقسیم بندی سرمایه را کاربردی تر و سود شما را افزایش دهد

ب) میزان ریسک پذیری شما

از نظر روانی و شخصیتی هرکس تاب و توان سود یا ضرر مشخصی را دارد! ممکن است برای یک فرد سود بسیار زیاد یا ضرر بسیار زیاد موجب کج فهمی بازار، ترس یا طمع گردد

این اهمیت دارد که هنگام تقسیم سرمایه، شما حد ریسک پذیری خود را مشخص کنید

بیایید فرض کنیم امیر انصاری 1000 دلار سرمایه نقدی دارد (از این به بعد سرمایه اولیه را C_0 مینامیم) و او تنها در صورتی با خیال راحت در معامله باقی میماند که نیمی از سرمایه اش درگیر معامله نباشد...

در این صورت هنگام تقسیم سرمایه اولیه، او باید متوجه باشد که:

میزان سرمایه ی ریسک پذیر وی Venture capital تنها 500 دلار است و در تقسیم سرمایه این عدد را باید تقسیم بندی کند نه کل سرمایه را!!

به طور کلی :

$$\text{Venture capital} = R\% \times C_0$$

یعنی سرمایه ی ریسک پذیر برابر است با حاصلضرب درصد ریسک پذیری شما در کل سرمایه ...

در واقع یکی از دلایل مهمی که در بازار همیشه به افراد یادآوری میشود "لطفا برای به دست آوردن سرمایه ی اولیه ، وام نگیرید یا چیزی نفروشید" همین است....

به این دلیل واضح که ممکن است شما برای بازپرداخت وام نیاز داشته باشید که مبلغی از سرمایه درگرددش خود را که از طریق وام به دست آورده اید برداشت کنید

این نکته میزان ریسک پذیری شما را به شدت کاهش میدهد و البته شما را عجول و ناصبور میکند

در این صورت venture capital شما رقم بسیار ناچیزی خواهد بود

چا توقع شما از سود :

بدون توجه به ساختار پرایس اکشن:

به عنوان یک معامله گر نسبتاً با تجربه به شما پیشنهاد میکنم در بازار به قدر کافی قانع باشید!

توقع اینکه یک سوینگ کامل را از کف تا سقف کشف کنید و در طی آن حداکثر سود ممکن را به دست آورید ناممکن نیست و حتماً شما در بازار آنقدر رشد میکنید که چنین معامله‌هایی انجام دهید اما:

توقع سود زیاد (منطقی یا غیر منطقی) در بازارهای مالی میتواند به راحتی منجر به ضرر شود

بنابراین باید سطح توقع خود را از سود در یک معامله تشخیص دهید...

نکته ی مهم تر اینکه به میزان دلاری سودتان فقط به قدر نیاز فکر کنید و روی درصد سود متمرکز شوید

در واقع ورود نسبتاً درست به یک معامله و سود ده درصدی
میتواند شروع خوبی باشد

در صورتی که توقع زیادی داشته باشید دو راه باقی میماند

الف) بهبود قدرت تحلیل

ب) افزایش سرمایه و حجم معامله

و چون معمولاً ما به دنبال افزایش دانش و قدرت تحلیل نمیرویم!
مجبوریم حجم معامله را افزایش دهیم تا سود دلاری مناسب
داشته باشیم و :

حجم معامله بالا + دانش کم = از دست دادن سرمایه!!!!

بنابراین در تقسیم بندی C_0 باید حد توقع خود از سود را مشخص
کنیم :

از نظر ما : توقع / سرمایه به ازای هر پله خرید 5 درصد سود،
منطقی به نظر میرسد

بنابراین اگر در طی یک معامله 5 پله خرید کرده اید 5×5 در صد سود دهی برای شما در معامله، معقول خواهد بود
 با این حال اگر توقع سود بیشتری دارید فرمول زیر را رعایت کنید:
 همیشه: تعداد پله $\times$ توقع سود باید کمتر از 50 درصد باشد

داشکیبایی و تحمل در حالیکه معامله ی باز دارید:

معمولا حتی پس از سالها تجربه و تلاش و معامله در بازارهای مالی، روند معامله گری پر استرس و سخت است! اینکه شما در یک معامله ی باز برای مثال 10000 دلار سرمایه گذاری کرده باشید و مدت زیادی را در طی این معامله و رسیدن به سود، شاهد کاهش و افزایش قیمت باشید، بسیار طاقت فرسا است

تقسیم بندی درست سرمایه و توجه به میزان ریسک پذیری از استرس شما میکاهد و توانایی شما برای باقی ماندن در معامله حتی در طی ضرر احتمالی را افزایش میدهد

در این صورت باید معامله گر تخمین درستی از میزان صبر و تحمل خود در طی باز بودن معامله داشته باشد. در اینجا نگاه ما به محور زمان معطوف است

در حالت کلی به ازای هر روز معامله ی باز 2 درصد سود منطقی به نظر میرسد

پس :

تعداد روز باز بودن معامله $\times 2\% =$ سود متعارف

مجموع چهار فاکتور ذکر شده تعیین کننده ی تعداد سهام قابل معامله ی شماست

چگونه کار را آغاز کنیم :

الف:

برای مدیریت سرمایه ابتدا لازم است سرمایه ی اولیه را مشخص کنید

$$C_0 = \text{سرمایه ی اولیه}$$

فرض میکنیم این سرمایه 1000 دلار است

ب:

با توجه به اطلاعات تحلیلی شما (که میتواند به صورت پیشنهاد خرید توسط یک سیگنال مشخص مثلا از طریق گروه ایران کریپتو سیگنال باشد و یا با تحلیل خودتان به دست آمده باشد) پیش بینی شما از حرکت قیمت 5 پله است

$$S = \text{تعداد پله های تحلیل}$$

نکته : میتوانید این تعداد پله ها را گسترش بدهید و مثلا اگر مبتدی هستید آن را به 10 یا حتی 20 پله افزایش دهید

ج:

سپس میزان ریسک پذیری شما اهمیت دارد :

فرض کنیم شما تا 50 درصد از سرمایه ی خود را در هر معامله
میتوانید قبول کنید و این باعث استرس و نگرانی شما نمیشود .
بنابراین

میزان ریسک پذیری شما در معامله $R\%$

د:

توقع سود شما باید منطقی باشد! بنابراین با تعریف فاکتور Profit
expect شما باید توقع سود خود از یک معامله را مشخص کنید

توقع سودی که از معامله دارید $PE =$

ه:

در نهایت میزان شکیبایی شما در معامله نیز در مدیریت معامله
موثر است

یعنی توقع سود باید متناسب با زمان باشد

پس در انتها همه ی اطلاعات لازم ما عبارتند از :

سرمایه ی اولیه $C_0 = 1000$ دلار

پله های تحلیل $S = 5$ پله (یعنی آمادگی خرید در 5 پله خواهید داشت)

میزان ریسک پذیری در معامله $R\% = 50$ درصد

توقع سود $PE = 20$ درصد

تحلیل و تعیین هر سهم با توجه به داده های ذکر شده:

سرمایه ی در معامله $R\% \times C_0 =$

$$1000 \times 50\% = 500$$

بنابراین سرمایه ی مورد نظر در این معامله 500 دلار است

که باید در 5 پله خریداری شود

$$\frac{C_0 \times R\%}{S} \quad \text{میزان هر سهم را نشان میدهد}$$

در نتیجه میزان هر سهم برابر است با :

$$\frac{1000 \times 50\%}{5}$$

که عدد **100** را نشان می‌دهد

پس در هر **پله صد دلار** خریداری میشود

حالا باید توقع سود را بررسی کنید! شما **5 پله** تعیین کرده اید و میدانیم که:

$$\text{تعداد پله} \times \text{توقع سود باید کمتر از } \underline{\underline{50 \text{ درصد باشد}}}$$

$$S \times PE\% < 50\%$$

بنابراین :

$$\frac{50\%}{S} = PE$$

اگر **5 پله** دارید توقع **10 درصد** سود برای بستن یک معامله مناسب به نظر میرسد

و در نهایت :

تعداد روز باز بودن معامله $\times 2\% =$ سود متعارف

بنابراین :

زمان شکیبایی برابر است با 5 روز

$$t = \frac{PE\%}{2\%} = \frac{10\%}{2\%} = 5$$

با توجه به سود متعارف به دست آمده که ده درصد ارزیابی شد باز بودن معامله در طی 5 روز منطقی به نظر میرسد

یاد آوری میشود هرچه دقت تحلیل و تشخیص پله ها بهتر باشد بهینه سازی و مدیریت معامله ی بهتری خواهیم داشت

حقوق معنوی و مادی استفاده از این جزوه نزد مولف آن

آقای امیر انصاری هادی پور

محفوظ است